

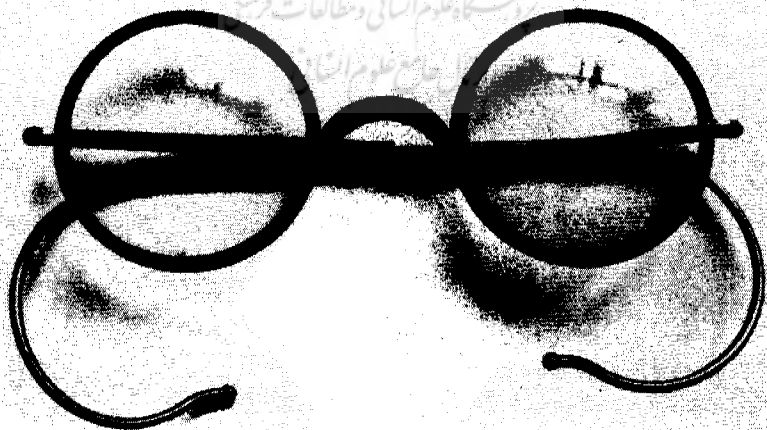
هسه وجایزه ادبی نوبل . سعید فیروز آبادی

۲۱۷ توماس مان که در سال ۱۹۲۹ برنده جایزه ادبی نوبل شده بود، سال بعد دوست صمیمی خود، هرمان هسه را برای نامزدی دریافت این جایزه معرفی کرد، اما دبیر آن زمان آکادمی نوبل - پرهالشروم - در پاسخ به پیشنهاد توماس مان چنین نگاشت: "هسه داستان سرا و فیلسوف نیست و بیشتر به مسایل شخصی خود همچون ماجرای زیر چرخ و پتر کامتسیندمی پردازد." این نوشته را که باعث آزردهی هسه شد، توماس مان بی پاسخ نگذاشت و در روزنامه نویر تسوریشتر تسایتونگ به بهانه سالروز تولد هسه مقاله ای در دفاع از او نگاشت. شاید همین آزردهی سبب شد که پیوسته از دیدگاه هسه آن جایزه ای که در سالروز مرگ مخترع دینامیت اعطاء می شود "چندان در خور توجه نباشد." ت زیگی

در سال ۱۹۳۹ بار دیگر هرمان هسه نامزد دریافت این جایزه شد و حتی دو عضو کمیته اعطای این جایزه به او رأی مثبت دادند، اما این بار هم بهانه ای دیگر آوردند و گفتند که هسه نویسنده تبعیدی نیست و خود سالها پیش از حکومت ناسیونال سوسیالیست ها در آلمان تابعیت سوئیس را پذیرفته و مهاجرت او به دلایل سیاسی نبوده است. حین جنگ جهانی دوم و بخصوص در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۳ به دلیل

نابسامانی های آن دوره اروپا، جایزه نوبل به کسی اعطا نشد. افزون بر این شرایط آن زمان سوئد به گونه ای بود که بسیاری از نامزدهانی توانستند به این کشور سفر کنند. اما در سال ۱۹۴۶، یعنی یک سال پس از پایان جنگ، فهرستی طولانی از نامزدهای دریافت جایزه منتشر شد که در آن بین از نویسندگان پرآوازه ای همچون آندره ژید، بوریس پاسترناک، تی اس الیوت و وینستون چرچیل و هرمان هسه نیز نام برده بودند. آکادمی نوبل با قاطعیت هسه را شایسته دریافت این جایزه دانست و این بار آندرس اوسترلینگ، دبیر آن زمان آکادمی نوبل، در مراسم اعطای جایزه سیمایی کاملاً متفاوت از هسه را مطرح کرد: «به پاس نویسندگی الهام بخش، جسارت و ژرف نگری و تلاش برای تحقق آرمانهای انسان دوستانه و ارزش های والای بشری این جایزه به هرمان هسه اعطا می شود. این نویسنده آلمانی تبار خیلی زود از دام سیاست گریخت و پس از جنگ جهانی اول به سوئیس رفت [...] این جایزه بیشتر تأییدی بر شهرت بحق اوست و هدف آن طرح دگر باره انسانی نیک است که مبارزه کرده، پایبند به وظیفه انسانی بوده و پیوسته در راه انسان دوستی گام برداشته است.»

آن زمان هسه ۶۹ سال داشت و به دلیل بیماری در آسایشگاه تسین به سر می برد و گریزان از هیاهو، غرق در تنهایی خویش بود، به همین دلیل نیز نتوانست به سوئد سفر کند و پیامی کوتاه برای آکادمی نوبل فرستاد و چنین نگاشت: «من با اندیشه اصلی بنیاد نوبل احساس همدلی، می کنم، منظورم همان اندیشه فراملی و فراتر از مرزهای سیاسی - جغرافیایی در باب گرامیداشت وجود انسانی، مبارزه با جنگ و ویرانی و ایجاد صلح و آشتی است. از دیدگاه من جایزه شما یکی از صد عینکی که در سال ۱۹۶۲ در کشورمیز تحریر هسه پیدا شد.



تاییدی دوباره بر زبان آلمانی و اهمیت این فرهنگ در جهان است و آن را نشانه ای از آشتی و نیکخواهی می دانم که بر پایه آن امکان مشارکت معنوی تمامی ملت های جهان فراهم خواهد شد.»

همان گونه که اشاره شد، هسه از هیاهو همیشه گریزان و شاید هم تجربه های پیشین خاطرش را آزرده بود، اما اعطای این جایزه سبب شد که آثارش را به بسیاری از زبانهای دیگر ترجمه کنند و بعدها صد ها رساله دکتری در نقد و تفسیر آثارش بنگارند. در عین حال از یاد نبریم که هسه را در سال ۱۹۴۶ از بین نویسندگانی بزرگ برگزیدند که آندره ژید یکی از آنان بود.

به این دوست صمیمی و یار همیشگی هسه که مدتها قبل بر ترجمه فرانسوی سفر به شرق مقدمه ای زیبا نگاشته بود، یک سال بعد همین جایزه اعطاء شد. ♦ ♦ ♦



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

